



**The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic Law The 16 rd.  
Year/NO: 3 autumn 2023**

**Jurisprudential documents on the necessity of the convergence of the Muslims of the world**

Hashemzadeh, Akram<sup>1</sup> Izadi, Hossein<sup>2</sup>

Received date: 2023/04/21  
Acceptance date: 2023/11/04

**Abstract**

Ever since the Prophet's mission and the presentation of Islam to humanity, the Qur'an and the infallibles have always emphasized the necessity of achieving convergence between Muslims, and reformers emphasized on its realization from the very beginning of Islam. The necessity of convergence is due to the fact that, unfortunately, harm has been caused to convergence and that is; According to the reasons that have a much lower strength and jurisprudential identity compared to the reasons for convergence, people beat the barrel of divergence. The main question of the current research is what are the jurisprudential foundations of Muslim convergence. The present article tries to comprehensively explain the issue of convergence and its necessity by using the descriptive-analytical method and by collecting information in a library and by referring to the books and articles written in this field. The results of the research show that in the discussion of convergence, reference to the book (Qur'an), Sunnah and the use of the consensus of the discoverer of the Sunnah and finally, reference to reason and the use of independent and non-independent intellectuals are pervasive and inevitable.

**Keywords:** Convergence, unity, jurisprudential foundations, Islamic world, divergence.

<sup>1</sup>- Ph.D. Student, Department of jurisprudence and Principals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran .Akram.Hashemzadeh@yahoo.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Shahid Chamran University, Ahvaz.iran. (corresponding author). IzadyHamid75@yahoo.com

## مستندات فقهی بر ضرورت همگرایی مسلمانان جهان

اکرم هاشمزاده<sup>۱</sup> حسین ایزدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

## چکیده

همواره از زمان بعثت پیامبر (ص) و عرضه دین اسلام به جهان تا دوران امامان معصوم (ع) بر ضرورت تحقق همگرایی میان مسلمانان تأکید شده است و به تبع آن، مصلحان اجتماعی در تحقق آن تلاش‌های فراوانی کردند. البته با توجه به آسیب‌هایی که متوجه همگرایی بوده، افرادی هم بر طبل واگرایی کوبیده‌اند. سؤال اصلی پژوهش این است که مبانی فقهی همگرایی مسلمانان چیست؟ مقاله حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و از طریق جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتب و مقالات نگارش یافته، سعی دارد که مسئله همگرایی و ضرورت آن را به طور جامع تبیین نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در بحث همگرایی رجوع به کتاب (قرآن)، سنت و اجماعی که کاشف از سنت معصومان است و در نهایت با مراجعه به عقل و استفاده از مستقالات و غیر مستقالات عقلی فراگیر و اجتناب ناپذیر است.

واژگان کلیدی: همگرایی، وحدت، مستندات فقهی، جهان

۱. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. Akram.Hashemzadeh@yahoo.com

IzadyHamid75@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

همگرایی یکی از نتایج موفقیت آمیز اندیشه و عمل مسلمانان بوده که رهبر جامعه اسلامی نقش تعیین کننده‌ای در هدایت حرکت‌های مردمی بر عهده دارد. با نگاهی به تاریخ اسلام در می‌یابیم که پیامبر خدا (ص) از همان آغاز، درس اتحاد و همبستگی را به یاران خویش می‌داده و لزوم برادری به معنای واقعی را برای آنها تبیین می‌کرده‌اند.

همگرایی اسلامی در دوره معاصر ابتدا در کشور مصر توسط سید جمال‌الدین اسدآبادی مطرح شد. سپس با همفکری رهبران دینی اسلام یعنی رییس دانشگاه الازهر مصر (شیخ محمود شلتوت) و مرجع اعلای شیعه (آیه الله بروجردی) از ایران، سازمانی به نام «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» تشکیل شد تا مقدمات همگرایی اسلامی را تحقق بخشند. این موضوع، سال‌ها بر اساس سیاست دولت‌های غیر دینی و لائیک در ایران و خاورمیانه، علی‌رغم تلاش علمای آگاه، مسکوت ماند. سپس با تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» تأسیس شد تا با برگزاری نشست‌های علمی و کنفرانس‌های بین‌المللی و گفتگو و مفاهمه بین مذاهب اسلامی در ایران و جهان زمینه‌های همگرایی اسلامی را آماده کند.

در حال حاضر، هویت اجتماعی و صلابت جامعه ایرانی - اسلامی نتیجه همگرایی است و اگر به هر دلیلی این همگرایی خدشه‌دار گردد، اتحاد ملی متزلزل می‌شود. برای جلوگیری از این رخداد و تقویت اتحاد ملی، لازم است تا نسبت به مبانی همگرایی حساس بوده و برای آن طرح و برنامه‌ای در نظر داشت. تأکید بر همگرایی میان مسلمانان به عنوان «امت واحد» همواره از سوی قرآن مبین و رسول خدا (ص) و امامان معصوم (ع) به وضوح قابل مشاهده است و زیست و سرزندگی مسلمانان را باید در آن جست‌وجو کرد. صریح آیاتی مانند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ از عامل ارتباط و پیوستگی ریسمان الهی استفاده کرده و گسیخته و جدا جدا نگردید.» (آل عمران، ۱۰۳) و «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ؛ به نزاع و کشمکش اقدام نکنید که نتیجه آن از کار افتادگی و بی‌خاصیتی گروهتان گشته و جایگاه و برتریتان از بین خواهد رفت.» (انفال، ۴۶) به این موضوع اشاره می‌کنند. فرمان به وحدت یکی از روح-بخش‌ترین فرمان‌های الهی است که رایحه آن در مشام هر مسلمانی که دل در گرو دین اسلام دارد، استشمام می‌شود. آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً؛ همانا این شاخص‌ترین نشانه شما "امت" بودندتان است که وحدت (همگرایی) معرف آن است.» (مؤمنون، ۵۲) آیات دیگر که به مسئله وحدت و همگرایی مسلمانان و یا دوری از تفرقه اشاره کرده است، از یک سو مطلوب بودن این امر را نزد خداوند و اولیایش می‌رساند و از سوی دیگر عوامل تأثیرگذار را که در همگرایی و واگرایی نقش داشته است، بیان می‌کند که از طریق آن می‌توان به مبانی فقهی همگرایی مسلمان دست یافت. همچنین وظیفه حکومت اسلامی این است که در تنظیم روابط، مناسبات و خط‌مشی‌های خود با مردم و دیگر کشورها این مبانی را اساس سیاست خود قرار دهد.

یکی از مباحث مهم و اساسی جهان اسلام که بیشتر از گذشته به آن احساس نیاز می‌شود، اتحاد مسلمانان و همگرایی است؛ زیرا نقطه مقابل این وضعیت، واگرایی و دامن زدن به تفرقه و اختلافات فرقه‌ای و مذهبی است که می‌تواند نقشه قدرت‌های غربی و شرقی برای تضعیف یا مهار قدرت اسلام باشد. در دانش فقه نیز به موضوع همگرایی توجه شده که در این مقاله تلاش شده با تأمل در ادله فقهی (آیات قرآن، سیره معصومان (ع)، اجماع و عقل) مبانی فقهی همگرایی مسلمانان را اصطیاد کرده و آنها را بررسی و تحلیل کرد.

## پیشینه

درباره همگرایی در دو سه قرن اخیر بسیار بحث شده است؛ زیرا جریان‌هایی مانند فروپاشی حکومت عثمانی، اشغال فلسطین، شکست‌های پی‌درپی اعراب در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ از غرب و اسرائیل، جنگ‌های هند و پاکستان، جدا شدن بنگلادش از پاکستان، اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق، سلطه آمریکا بر عراق و افغانستان، جنگ‌های داخلی در سوریه، ترکیه، لیبی، یمن و

پیدایش داعش، همگی زمینه واگرایی بین مسلمانان را ایجاد کرده‌اند. در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی در ایران، هفته‌ای به نام «هفته وحدت» نام‌گذاری شده که هم از دیدگاه معرفتی و هم از دیدگاه کارکردی پیشینه‌ای به درازای تاریخ اسلام دارد.

در حقیقت، اگر نبود این همگرایی و جلوگیری از سوء استفاده رقیبان، صحابه پیامبر و در رأس آنان علی (ع)، هرگز حکومت‌هایی را که ادامه حکمرانی آنان به دست امثال یزیدبن معاویه و مروان حمار و نیز والیانی همچون حجاج‌بن یوسف ثقفی باشد، تحمل نمی‌کردند. بزرگترین حامیان وحدت از نظر کاربردی پس از پیامبر، حضرت علی (ع) و عملکرد ۳۰ ساله ایشان بوده و از نظر معرفتی همین بس که آن حضرت با همه سختی‌ها و تحمیل جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، درباره خوارج فرمودند: «هم اخواننا بغوا علينا؛ آنان برادران ما هستند که به ما تجاوز کردند». (حرعاملی، ۱۴۰۳، ص. ۶۲) از آغاز پیدایش شیعه، سیره گفتاری معصومان (ع) در مسائل فقهی و غیر فقهی با عنوان «تقیه» و آثار گرانقدر فقها مانند «الخلاف بیننا و بین اخواننا السنه» شیخ طوسی و «تذکره الفقهاء» علامه حلی برای کاستن حساسیت در رقیبان بوده است.

موضوع همگرایی تنها یک بحث نظری و مربوط به عالم اندیشه و اعتقاد نیست، بلکه در ساحت عملی نیز کاربرد دارد. امامان معصوم (ع) در عرصه عمل برای نزدیک کردن گروه‌ها و پیروان تفکرات مختلف کلامی و فقهی به همدیگر برنامه‌ای عمیق و همه جانبه داشتند. از نظر آنان این اختلاف‌ها به «امت واحده» بودن جامعه اسلامی لطمه وارد می‌کند و چالش خطرناکی می‌شود که صلح امام حسن مجتبی (ع) با معاویه و نوع تعامل امام باقر (ع) و امام صادق (ع) با حکام عباسی و در اواخر قرن دوم هجری تعامل امام رضا (ع) در پذیرش ولایتعهدی مأمون را می‌توان در این راستا تفسیر و تحلیل کرد. خطبه‌های این بزرگواران و جلسات بحث و مناظره و میراث فرهنگی که از امام باقر (ع) و صادق (ع) و نیز امامان بعدی به‌خصوص «احتجاجات» حضرت رضا (ع) با علمای دیگر مذاهب، جنبه علمی و نظری مسئله را کامل می‌کند.

این سبک تعامل باعث شد که در طول تاریخ، عالمان شیعه، با همه سختی‌ها و مرارت‌هایی که مخالفان برای آنان ایجاد می‌کردند، به تدوین مجموعه‌های فقهی بزرگی همت کنند؛ مانند «اللمعه الدمشقیه» اثر شهید اول و «مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام» و «الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه» نگارش شهید ثانی و «ریاض المسائل فی بیان الأحکام بالدلائل» محقق طباطبایی حائری و «کشف الغطاء» اثر شیخ جعفر کاشف الغطاء و «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام» نوشته محمدحسن نجفی. در همه این آثار به بیان و حتی پذیرش و تقویت دیدگاه‌های اهل سنت و تعامل علمی با آنها پرداخته شده است.

در عصر حاضر به‌خاطر نامه‌نگاری‌هایی که بین آیه الله بروجردی و مفتی مصر، شیخ محمود شلتوت، شد، باعث شد که مکتب فقهی شیعه در کنار چهار مذهب فقهی اهل سنت یعنی مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی به رسمیت شناخته شود. به دنبال آن، مجمعی در مصر با نام «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» تأسیس شد که حدود سه دهه رئیس آن، فردی ایرانی به نام شیخ محمدتقی قمی بود. در همین راستا، بیش از ۷۰ شماره از فصلنامه‌ای با نام «الرساله» منتشر شد. (تهوری، بی‌تا: ۸۶ و ۸۷)

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ضرورت تعامل بیشتر با دیگر مذاهب ایرانی و بستن راه‌های تفرقه افکنی بین شیعه و سنی، اقدامات مؤثری از جهت عملی و نظری انجام شد؛ مانند: اعزام گروه‌های علمی و شخصیت‌های شیعی به کشورهای مسلمان و تعامل مبارزان آن کشورها در راستای احقاق حقوق و حل معضلاتشان؛ ایجاد مراکز آموزشی نظیر حوزه‌های علمیه شیعه در کردستان برای اهل سنت با عنوان «مرکز بزرگ اسلامی غرب ایران»؛ ایجاد شورای سرپرستی طلاب خارجی و تدوین برنامه آموزشی برای آنان؛ اعلام جمعه آخر ماه رمضان به نام روز قدس؛ اعلام روزهای بین ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول به نام هفته وحدت.

یکی از بنیان‌گذاران دارالتقريب، محمد تقی قمی، درباره همگرایی می‌گوید: «هدف ما اندماج مذاهب فقهی در یکدیگر نیست؛ زیرا اختلاف امری است طبیعی، در این نوع اختلافات، زیانی نبوده؛ بلکه باعث توسعه فکری و فراهم آوردن تسهیلات و گشایش رحمت الهی خواهد بود.» (قمی، ۳۰۰، ص. ۱۳۹۰)

### جایگاه منطقی بحث همگرایی دینی

بحث "همگرایی" می‌تواند در علم اعتقادات یا "کلام" مطرح شود و هر فرد یا جمعی را که به واگرایی، اقدام کند، مرتکب "شق عصای مسلمین" و ایجادگر "تفرقه" در جامعه خواند و عمل او را در حد "خروج" بر جامعه نام برد. اگرچه این عمل مشمول حکم فقهی قرار می‌گیرد، ولی از سوی دیگر مبنای کلامی پیدا می‌کند. علم فقه که بیانگر "احکام" و به اصطلاح بایدها و نبایدهای زندگی انسان است آنجا که به مباحث وظایف فرد و ارتباط او با خالق خویش می‌پردازد، فقه عبادات نام گرفته و در آن قسمت که مسئله گسترده‌تر شده و تعامل با دیگران مطرح می‌شود، فقه تعامل یا معاملات است که در آن قصد قربت ملاک نیست. در فقه معامله و فقه خانواده و در یک سطح وسیع‌تر، یک فصلی طولانی با عنوان فقه الاجتماع مطرح می‌گردد و آنجا که بحث سیستم حاکم بر جامعه و الزامات در آن مطرح می‌شود، فقه سیاسی شکل می‌گیرد. آثاری همچون "الاحکام السلطانیة"، "نظام الحکم فی الاسلام"، "فقه سیاسی"، "دراسات فی ولایت الفقیه"، "فقه الدوله الاسلامیه" و "معالم القربه فی الاحکام الحسبه" مبین چنین دیدگاه‌هایی هستند. پس بحث همگرایی از مباحث فقه الاجتماع و یکی از مباحث فقه الدوله است. اما در نهایت همه ابواب فقه احکام خود را با استفاده از قرآن، سنت، اجماعی که کاشف سنت است و عقل (مستقلات و غیر مستقلات عقلی) استنباط می‌کند. تفاوت اصلی همگرایی با دیگر مباحث فقهی آن است که در این بحث جنبه نقلی و استنباطات مبتنی بر نص، در مقایسه با احکام عام و فراگیری مانند نماز بسیار کمتر است؛ ولی این نکته به جایگاه فقهی آن آسیبی نمی‌زند. چنانچه جایگاه اخلاقی بحث همگرایی و مطرح شدن آن در آموزه‌های ارزشی نیز خللی به جایگاه فقهی آن وارد نمی‌کند.

### ۱) مفاهیم

#### ۱-۱- همگرایی در لغت و اصطلاح

واژه‌ای که از نظر مفهومی در مقابل واگرایی قرار دارد، همگرایی است. مجموعه رفتارهای مشترک بین دو یا چند گروه، انگیزه‌ها و عواملی که به یک رفتار واحد منجر می‌شود. وضعیتی را که در آن دولت‌های مستقل و حاکم، بنا به میل و رضایت کامل و با آگاهی از مفهوم تعهدات و حقوق متقابل مترتب بر آن به همکاری با دیگر اعضاء می‌پردازند، همگرایی می‌نامند. (محمدی، ۱۳۷۰، ص. ۴۳) همگرایی بیانگر شرایطی است که در آن، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دستگاه‌های ارتباطی واحدهای مختلف، با حذف عوامل اختلاف برانگیز و تعصبات ملی‌گرایانه به نفع اهداف جمعی و منافع مشترک، به حدی به هم نزدیک می‌شوند که نظام جدیدی از روابط، جایگزین نظام پیشین می‌گردد. نظریه همگرایی در واقع، واکنش به نارضایتی نسبت به سیستم دولت - ملت است؛ چرا که چنین سیستمی در درون خود، ایجاد کننده تعارضات و کشمکش‌هایی می‌باشد. وجه مشترک همه نظریات همگرایی این است که همه آنها به فرایندی فکر می‌کنند که به وسیله آن، وفاداری از یک مرکز به مرکز دیگر انتقال می‌یابد. (محمدی، ۱۳۷۰، ص. ۴۴). روند همگرایی با توجه به ابعاد مختلف آن، مورد توجه کشورهای قرارگرفته است که دارای اشتراک‌های سیاسی - امنیتی، اقتصادی - تجاری، فرهنگی - اجتماعی و از همه مهم‌تر، دارای همگونی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی هستند. (حاج یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۴۲). در مقابل این نظریه، نظریه واگرایی است که به معنای تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آنها از هدف مشترک و حرکت به سوی هدف‌های خاص است.

(حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص. ۳۷۳) در واقع، واگرایی، فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و زمینه بحران و جنگ فراهم می‌گردد. (قوام، ۱۳۷۰، ص. ۲۲۹).

## ۱-۲- وحدت در لغت و اصطلاح

«اتحاد» در لغت از ریشه «وحد» به معنای یگانگی، یکتایی و یکی شدن است: «صیوره الشیئین الموجودین شیئاً واحداً» (طریحی، ۱۴۰۸، ص. ۴/۴۷۴) «وحدت» نیز در لغت به معنای اتفاق آرا و هماهنگی رأی‌ها است. (دهخدا، ۱۳۳۰، ص. ۱۵/۲۳۱). «وحدت» در اصطلاح به معنای یکی بودن است که از آن به واحد تعبیر می‌کنند؛ ولی «اتحاد» در اصطلاح آن است که دو چیز با وجوه متفاوت، جنبه‌های مشترک خود را تقویت کنند و از این حیث خود را هرچه بیشتر به یکدیگر نزدیک کنند؛ مانند اتحاد دو یا چند مذهب فقهی یا کلامی. به تعبیر دیگر، اتحاد یعنی تقویت «ما به الاشتراک» در عین حفظ «ما به الامتیاز». (فاضل مقداد، بی تا، ص. ۲۱) بنابراین، چنانچه منظور از اتحاد بین امت اسلامی این باشد، که در کل جهان اسلام یک قانون بدون وجود حق تحفظ، اجرایی شود، این هدف دور از دسترس است؛ البته می‌توان مجموعه‌ای از مقررات را با وجود حق تحفظ تعریف کرد که شامل مشترکات احکام در بین امت اسلامی نیز باشد.

## ۱-۳- همگرایی به مثابه قاعده‌ای فقهی

مرحوم شرف الدین برای اثبات لزوم وحدت و همگرایی به چند دلیل استناد کرده است:

۱- قاعده احترام مسلمان: ایشان با گشودن فصلی تحت عنوان «الشهادتان و حرمة المسلم» در کتاب الفصول المهمه، چندین روایت از پیامبر (ص) و امامان (ع) نقل می‌کند که بر حرمت خون، مال و آبروی مسلمان دلالت دارند. وی به این روایات به چشم مبنایی فقهی برای وحدت نگاه می‌کند و از آنها ضرورت وحدت بین شیعه و سنی را برداشت می‌کند. (شرف الدین موسوی، ۱۴۲۳، ص. ۳۱)

۲- قاعده دوری از فساد: ایشان اختلاف میان شیعه و سنی را از مصادیق فساد در زمین، به شمار می‌آورد. در واقع، دلیل از دو مقدمه تشکیل یافته است:

مقدمه اول: تفرقه و فساد در زمین امری موجود و غیرقابل انکار است.

مقدمه دوم: فساد در زمین حرام است.

۳- قاعده وحدت: از سخنان شرف‌الدین برداشت می‌شود که وی وحدت را قاعده‌ای فقهی می‌دانسته است. ایشان در کتاب المراجعات، به هنگام اظهار امیدواری برای رسیدن به راهی هموار که در آن اختلاف میان مسلمانان از بین برود و بیدار شوند و به طور جدی به زندگی بنگرند، می‌گوید: «راجعین الی الاصل الدینی المفروض علیهم؛ باشد که به اصل دینی که بر آنان واجب گشته، بازگردند. (شرف‌الدین موسوی، ۴۹، ص. ۱۴۲۶). در این عبارت دو واژه وجود دارد که جایگاه آنها در فقه است و در همان فضا معنا می‌یابد: یکی واژه اصل و دیگری واژه فرض است.

پس می‌توان گفت که از نظر ایشان وحدت به مثابه یک اصل است (که به معنای قاعده نیز می‌تواند تفسیر شود)؛ اصلی که از نظر دین، عمل به آن واجب گشته است. یکی از متفکران عرب به نام محمد الدسوقی مفهوم همگرایی را این‌گونه بیان می‌کند: «ان التقارب بین المذاهب هو فی جوهره: محاوله لکسر شوکه التعصب، و جمع کلمه الامه علی اصول عقیدتها و المبادئ الاساسیه لدینها؛ جوهره و

حقیقت تقریب بین مذاهب، تلاش برای شکستن هیمنه تعصب و وحدت کلمه امت بر پایه اصول عقیدتی و زیربناهای اساسی دین است. (آقا نوری، ۱۳۸۷، ص. ۲۲). بنابراین همگرایی ناظر بر رفتار متعهدانه متقابل مذاهب اسلامی به منظور صیانت از اصول مشترک اسلامی می‌باشد.

#### ۴-۱- مبانی فقهی

پیش از تعریف کلی مبانی فقهی لازم است به تعریف لغوی و اصطلاحی «فقه» و «مبانی» پرداخته شود. برخی از اهل لغت واژه فقه را به معنای فهمیدن، دانستن، ادراک و علم معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص. ۵۲۲)؛ برخی دیگر از اهل لغت در مقام تعیین تفاوت‌های ظریف بین واژگان متشابه برآمده‌اند؛ در نتیجه «فقه» در لغت، مطلق فهم نیست؛ بلکه موشکافی و ریزبینی و فهم دقیق است. به عبارت دقیق‌تر باید به جای معنای «فهم دقیق» از واژه «ادراک دقیق» استفاده شود. در واقع، فقه در لغت، مطلق علم به یک چیز و ادراک آن نیست؛ بلکه ادراک دقیق را «فقه» گویند.

اما «فقه» در اصطلاح عالمان اصول و فقه، مجموعه‌ای از قوانین، دستورات و امر و نهی‌هایی است که فقیه، از منابع و ادله تفصیلی آن، استنباط می‌کند و تکلیف عملی بندگان را در برابر خالق مشخص می‌کند و به او می‌آموزد که چه عکس‌العملی در مقابل مولای حقیقی‌اش داشته باشد. (محمدی، ۱۳۷۰، ص. ۷).

امروزه با توجه به معنای لغت «مبانی» تقریباً تعریفی یکسان از آن در میان محققان شهرت یافته و نسبت به اصل تعریف آن اتفاق نظر وجود دارد؛ گرچه در نوع مبانی اختلاف نظر است. به طور کلی مبانی هر علم، باورهای بنیادینی هستند که در قالب مجموعه‌ای از قضایا، بخشی از مبادی تصدیقی آن علم را تشکیل داده‌اند و اصول موضوعه آن علم شناخته می‌شوند و مسائل آن علم بر آنها استوارند. (سبزواری، ۱۴۱۹، ص. ۸۷).

بنابراین، مقصود از مبانی فقهی آن بخش از مبانی تفسیری‌اند که باعث تمایز تفاسیر فقهی مختلف همچون تفسیر فقهی امامی، حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی می‌شوند؛ برخی از آن مبانی عبارت‌اند از: حجیت یا عدم حجیت قرائات سبعة در استنباط احکام شرعی از آنها، جواز یا عدم جواز نسخ، تخصیص و تقیید قرآن با خبر واحد و حجیت یا عدم حجیت قول صحابه و تابعان در تفسیر آیات شریفه؛ به ویژه آیات فقهی. مبانی تفسیر آیات کلامی قرآن نیز آن بخش از مبانی‌اند که زیر ساخت‌های باورهای اعتقادی و کلامی مفسران را تشکیل داده‌اند. مفسران مذاهب مختلف مانند: امامی، معتزلی، اشعری و زیدی هر کدام بر اساس مذهب کلامی خود آیات قرآن به ویژه آیات کلامی را تفسیر می‌کنند؛ برای مثال باور به اختیار انسان از مبانی تفسیر کلامی اعتزالی و باور به جبر انسان از مبانی تفسیر اشعری است که این دو مبنا اثر فراوانی بر تفسیر آیات کلامی داشته و باعث تمایز دو مکتب و مذهب اعتزالی و اشعری شده‌اند. مبانی تفسیر فقهی و تفسیر کلامی، جزئی از مبانی گرایشی به شمار می‌آیند. همچنین مبانی تفسیر کلامی، آن بخش از مبانی تفسیر هستند که محل بحث و جایگاه اثبات آنها علم کلام است؛ مانند عصمت پیامبر(ص) از خطا در دریافت و ابلاغ وحی، عدم تحریف قرآن، اعجاز قرآن و مبانی تفسیر فقهی آن بخش از مبانی‌اند که محل بحث و اثبات آن در دانش اصول فقه است؛ مانند جواز یا عدم جواز نسخ قرآن با خبر متواتر، خبر واحد و اجماع یا حجیت یا عدم حجیت قرائات سبعة برای استنباط احکام شرعی.

#### ۲) مبانی فقهی همگرایی

##### ۲-۱- کتاب

شاید بتوان گفت قرآن که در علم اصول، کتاب نام دارد، مبنای فقهی نیست؛ ولی از آن می‌توان در جهت استنباط مبانی فقهی استفاده کرد. مهم‌ترین نقش قرآن در زمینه فقه، مربوط به آیات الاحکام است. معروف است که حدود ۵۰۰ آیه از آیات قرآن، در مورد مباحث فقهی و در زمره آیات الاحکام است. البته استنباط احکام شرعی از قرآن، در گرو شناخت کامل مفاد هر یک از آیات قرآنی مربوط به این موضوع و فضای نزول آنها و از همه مهم‌تر، اشرف بر روح تعالیم است. با این حال، این امر نباید موجب بسته شدن راه تحقیق گردد؛ به ویژه با توجه به اینکه معصومان (ع) قرآن را مهم‌ترین محور وحدت می‌دانستند و مکتبشان برگرفته از آموزه‌های آن است. پس نگاه کلی قرآن کریم به پدیده همگرایی از دو جهت می‌باشد:

### ۱-۱-۲- تأکید بر وحدت و همدلی و نهی از تفرقه

با مقایسه‌ای اجمالی بین کتاب‌های مقدس ادیان و مکاتب، می‌توان مدعی شد که درآموزه‌های هیچ مکتب و دینی مانند اسلام، تا این اندازه بر وحدت و راه‌های به دست آمدن آن و نیز پرهیز از اختلاف و پیامدهای زشت آن تأکید نشده است. همگرایی و وحدت در فرهنگ اسلامی، از چنان جایگاهی برخوردار است که برخی ضرورت آن را با استناد به قرآن، امری فطری و لازمه فطرت دست نخورده انسان تلقی کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۴/۲) قرآن، امت اسلامی را به عنوان «امتی واحد» می‌ستاید (انبیاء، ۹۲؛ مومنون، ۱۵۲) و آن را متشکل از مردمی نمونه می‌داند که بر گرد ایمان به خدا جمع شده‌اند (بقره، ۱۴۳؛ آل عمران، ۱۰؛ انبیاء، ۹۲). علاوه بر این، دستور به اخوت، اتحاد و همدلی را از نعمت‌هایی معرفی کرده که به واسطه پذیرش اسلام و رسالت پیامبر (ص)، به مردم جامعه اسلامی در آن عصر هدیه شده است. (آل عمران، ۱۰۲، ۱۰۳؛ حجرات، ۱۰؛ مانده، ۲) همچنین قرآن جلوگیری از دشمنی بین افراد و گروه‌ها و نیز به جدال نپرداختن در امور فکری را، سرلوحه آموزه‌های خود قرار داده است. قرآن به‌عنوان محکم‌ترین سند اسلام، اختلاف و تفرقه را در جامعه از «نغمه‌های شیطان» و یکی از عوامل اصلی کشتارها می‌داند. (بقره، ۲۰۵، ۲۰۸؛ آل عمران، ۱۰۳؛ نساء، ۱۵۷) با بررسی و تحلیل آیات و روایات زیادی که در این زمینه رسیده، می‌توان برداشت کرد که هدف مهم قرآن تأسیس امت یکپارچه‌ای است که در آن، از چند دستگی جلوگیری می‌کند و فرموده اجتماع مردم باید بر اساس همدلی و عدالت سامان بگیرد. این کتاب شریف، در بیش از پنجاه آیه به موضوع اختلاف، وحدت و روش‌های به دست آوردن اتحاد اشاره می‌کند. معروف‌ترین آیه در این باره، چنین است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ». (آل عمران، ۱۰۳) «و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین‌گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید.»

مکارم شیرازی ذیل این آیه بیان می‌کند که یکی از نشانه‌های شرک، واگرایی است؛ چرا که معبودهای مختلف منشأ روش‌های متفاوت و سرچشمه جدایی‌ها هستند، به‌خصوص اینکه شرک همواره توأم با نوعی اظهار برتری و خودخواهی است که خودپسندی مولود آن است. لذا همگرایی و وحدت جز در سایه خداپرستی، عقل و ایثار امکان‌پذیر نیست. بنابراین هر جا اختلاف دیدیم، باید بدانیم نوعی شرک حاکم است. این موضوع را به صورت نتیجه می‌توان بازگو کرد که نتیجه شرک جدایی صفوف، تضاد و سرانجام ضعف و ناتوانی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص. ۴۲۱/۲) بیشتر مفسران، محتوای اصلی این آیه را دعوت به اتحاد و مبارزه با هرگونه تفرقه میان مسلمانان دانسته‌اند که مصداق همگرایی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص. ۳۷۶/۲). به نظر بسیاری از مفسران، این آیه در مدینه و در مورد دو قبیله اوس و خزرج نازل شده است. (امامی، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۰؛ مجلسی، ۱۳۱۵، ص. ۵۵۸). برخی نیز گزارش کرده‌اند که دو نفر از قبیله اوس و خزرج با افراد صاحب‌نام قبیله‌شان، فخرفروشی می‌کردند. فخرفروشی آنان کم‌کم تبدیل به نزاع شد. در این هنگام، هر کدام از



دو طرف، از هم قبیله‌ای‌های خود کمک خواستند. جدال دو نفر تبدیل به جدال دو قبیله شد. هر دو قبیله آماده جنگ شدند. این خبر به پیامبر (ص) رسید، او خود را به آن مکان رساند و خداوند این آیه را در آن مکان بر پیامبر (ص) نازل کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ص. ۴) در این آیه، کلمه «نعمت» تکرار شده است که منظور همان نعمت الفت است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص. ۴۰۷) این آیات هم جوامع اسلامی را مورد خطاب قرار داده و از اختلاف و تفرقه نهی کرده و هم فرد فرد مسلمانان را مدنظر داشته که بیانگر همگرایی می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص. ۴۰۷) آیه قبل از این آیه در حکم تک تک افراد نازل شده بود و همه را به صورت شخصی و فردی بر تمسک به کتاب و سنت سفارش می‌کند و در این آیه مردم به این دو رکن اساسی سفارش شده‌اند و دستور به چنگ زدن و تمسک کردن به آن داده‌است. (مکارم شیرازی، ۴۳۲، ص. ۱۳۷۰). برخی از مفسران سنی، مقصود از حبل‌الله را قرآن یا اسلام دانسته‌اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ص. ۳۱۱) برخی دیگر معنای جماعت را برای آن نقل کرده‌اند. مفسران شیعه نیز عترت پیامبر (ص) و ائمه (ع) را برای مفهوم «حبل‌الله» مطرح کرده‌اند. برخی نیز آن را عهد میان انسان و خدا دانسته‌اند. (طبری، ۱۴۰۹، ص. ۲۱/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ص. ۳۱۱/۸) برخی معتقدند احتمالات مطرح شده برای «حبل‌الله» اختلافی با یکدیگر ندارند؛ زیرا منظور از ریسمان الهی هرگونه وسیله ارتباطی با خداوند است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ص. ۳۱۱/۸) طبق حدیثی که پیامبر (ص) فرمودند: «الجماعه رحمه و الفرقة عذاب؛ جماعت (وحدت) مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است» (نهج الفصاحه، حدیث ۲۳) می‌توان برداشت کرد که: اصل پرهیز از تفرقه یک وظیفه الهی است و تفرقه در ردیف مجازات‌های الهی است. اهمیت وحدت تا آنجاست که به خاطر امر مهم‌تر یعنی «وحدت» نهی از مهم مانند دروغ‌گویی برداشته می‌شود. بنابراین، برای ایجاد وحدت اگر راهی جز دروغ‌گویی نباشد، دروغ مجوز پیدا می‌کند؛ همانطور که در اسلام دروغ گفتن برای ایجاد وحدت، جایز و راست گفتن تفرقه‌انگیز، حرام است. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص. ۵۷۸/۱۸؛ کلینی، ۱۳۷۵، ص. ۳۴۲/۲۰). در جایی دیگر اختلاف و تفرقه را روش ناپسند اقوام گذشته معرفی کرده و فرموده: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران، ۱۰۵) «و همانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، آن هم پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید؛ و آنان عذاب عظیمی دارند». در آیات دیگر از تفرقه‌گرایی نهی کرده و فرموده: «... أَنْ أُقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا... وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (شوری، ۱۳ - ۱۴)؛ «... دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید... آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد و این تفرقه‌جویی به خاطر انحراف از حق بود» یا «وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام، ۱۵۳)؛ این راه مستقیم من است؛ از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزکاری پیشه کنید» یا «مَنْ أَلْزَمَ الدِّينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعَابًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (روم، ۳۲)؛ «از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند؛ و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دل بسته) و خوشحال اند!» خداوند در قرآن، تفرقه را بر خلاف سیره نبوی می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعَابًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام، ۱۵۹)؛ کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آنها نداری، سروکار آنان تنها با خداست. سپس خداوند ایشان را از آنچه انجام می‌دادند، آگاه می‌کند. ظاهر این آیات، دلالت بر لزوم پرهیز از اختلاف در دین و دستور به چنگ زدن به ریسمان الهی دارد و فرقه‌گرایی را از صفات مشرکان معرفی می‌کند.

## ۲-۱-۲- راهکارهای ایجاد وحدت و جلوگیری از تفرقه

عمق تعالیم اجتماعی اسلام، چیزی جز نهی از جنگ و دشمنی و از هم پاشید شدن اجتماع نبوده و اساس آن بر پایه وحدت و محبت به یکدیگر استوار شده است. بدین منظور، خداوند دو اصل محوری قرآن و سنت را به عنوان زیربنای وحدت دینی و وسیله هدایت مسلمانان به راه مستقیم معرفی می‌کند.

## ۲-۲- سنت

دومین مبنای فقهی که می‌توان به عنوان دلیل همگرایی در جهان اسلام دانست، روایات و سنت می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۰، ص. ۳۲۲؛ حسینی، ۱۴۲۷، ص. ۲۰۱) سنت و حدیث در اصطلاح فقها عبارت است از قول، فعل و تقریر معصوم (ع)؛ البته برخی از عالمان اهل سنت معتقدند که سنت منحصر به قول، فعل و تقریر پیامبر (ص) است. شافعی تصریح می‌کند که سنت به طور مطلق منحصر به سنت پیامبر (ص) است. (افغانی، ۱۴۱۴، ص. ۱۱۳) اما از آنجا که به اعتقاد شیعیان، امامان (ع) از جانب خداوند منصوب‌اند و در کلام پیامبر (ص) به عنوان جانشینان وی معرفی شده‌اند، قول، فعل و تقریر ایشان نیز به عنوان سنت معتبر و منبعی برای استنباط احکام شرعی پذیرفته است. (مظفر، ۱۳۷۰، ص. ۶۱). احادیث و روایات در این زمینه بسیار فراوان است که در اینجا به نقل چند موردی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، اکتفا می‌شود:

امام صادق (ع) از پدران بزرگوارش، از رسول خدا (ص) این‌گونه نقل کرده است: «مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فِي الْمَسْجِدِ فَخَرَجَ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ إِلَّا أَنْ يُرِيدَ الرَّجُوعَ إِلَيْهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ص. ۳، ابواب احکام باب ۳۵) «کسی که در مسجد صدای اذان را بشنود و بدون دلیل از مسجد خارج شود، او منافق است.» این حدیث با مختصر تفاوت در منابع اهل سنت چنین نقل شده است: «مَنْ أَدْرَكَهُ الْأَذَانُ فِي الْمَسْجِدِ، ثُمَّ خَرَجَ لِحَاجَةٍ وَهُوَ لَا يُرِيدُ الرَّجُوعَ فَهُوَ مُنَافِقٌ» (ابن ماجه، ۱۴۰۷، حدیث ۷۳۴) «کسی که هنگام اذان در مسجد بوده و برای کاری خارج گردد، ولی قصد بازگشت (برای شرکت در جماعت) نداشته باشد، منافق است.» محتوای این دو روایت حکم غلیظی را بیان می‌کند که کسی که پس از اعلان وقت نماز، از مسجد خارج شود و قصد بازگشت نداشته باشد، منافق معرفی شده است. در واقع، این حکم با مضمون روایتی که محمدبن سنان از امام رضا (ع) نقل کرده، هماهنگ است. آن حضرت در پاسخ به پرسش ابن سنان درباره حرام بودن فرار از جبهه، چنین فرموده: «حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الْفِرَارَ مِنَ الزَّحْفِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْوَهْنِ فِي الدِّينِ وَالْاِسْتِخْفَافِ بِالرُّسُلِ وَالْاِثْمَةِ الْعَادِلَةِ وَ تَرْكِ نُصْرَتِهِمْ عَلَى اَعْدَاءِ...» (حلی، ۱۴۱۵، ص. ۴۸۱) «خداوند فرار از جنگ را بدان جهت حرام کرده که این کار موجب تضعیف دین و استخفاف پیامبران و پیشوایان عادل و خودداری از یاری حق در مقابل دشمنان است.» بنابراین، اگر فرار از جنگ و تضعیف حق در جنگ‌ها باعث تقویت دشمن و یکی از گناهان کبیره است، پس فرار از صفوف نماز نیز از نظر فرهنگی عامل تضعیف حق و تقویت باطل است و همسو شدن با اهداف دشمنان و استکبار است.

همان‌طور که قرآن به مسلمانان صدر اسلام آموخت به حبل خدا اعتصام داشته و از تفرقه بپرهیزند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳)؛ چرا که در غیر این صورت، قدرت و عظمت آنان از بین خواهد رفت: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ». (انفال، ۴۶)، پیامبر (ص) نیز همواره بر یکپارچگی اسلامی تأکید داشتند و هیچ فضیلتی را جز در سایه ارتقای معنوی یعنی «تقوی» بر اقوام و نژادها، جایز ندانسته‌اند. همچنین امیرمومنان (ع) در سخنانی خطاب به فرزندانسان، علاوه بر بیان نقش وحدت و تفرقه در تعالی و سقوط امت‌ها، یکی از مهم‌ترین دستاوردها و آثار نبوت پیامبر (ص) را ایجاد الفت و اتحاد معرفی کرده و در توصیف نقش آن حضرت می‌فرماید: «فَصَدَقَ بِمَا أَمَرَ بِهِ وَ بَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ؛ فَلَمَّ اللَّهُ بِهِ الصِّدْقَ وَ رَتَّقَ بِهِ الْفَتْقَ وَ أَلْفَ بِهِ الشَّمْلَ بَيْنَ ذَوِي الْأَرْحَامِ، بَعْدَ الْعِدَاوَةِ الْوَاغِرَةِ فِي الصُّدُورِ وَ الضَّغَائِنِ الْقَادِحَةِ فِي الْقُلُوبِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۱) «پیامبر برای انجام فرمان خدا قیام کرد و رسالت پروردگارش را ابلاغ نمود. خداوند به وسیله او گسیختگی‌ها را التیام داد، فاصله‌ها را پیوستگی بخشید و بین مردم یگانگی برقرار ساخت.» از زبان امام سجاد (ع) نیز در دعای «مکارم الاخلاق» آمده است: «وَأَكْمَلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ وَ لُزُومِ الْجَمَاعَةِ وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ...» (صحیفه سجاده، دعای ۲۰)؛ «(خداوند!) فضائل را (که بر شمردم) با اطاعت پیوسته و همراهی دائمی با جماعت مسلمانان و رها کردن بدعت‌گذاران، برای من کامل گردان.»

## ۲-۳- اجماع

اجماع یکی دیگر از ادله‌ای است که به عنوان مبنای فقهی همگرایی در جهان اسلام مطرح است.

درخصوص همگرایی مسلمانان جهان و تشکیل امت واحده اسلامی همواره تمامی ائمه اطهار (ع)، علما، مراجع، بزرگان و اندیشمندان گذشته و حال تأکید داشته و دارند؛ زیرا پیشرفت و تعالی در امور مادی و معنوی بر محور همگرایی به دست می‌آید. دو واقع، نیاز امروز دنیای اسلام، وحدت و از بین بردن عوامل تفرقه است. همگرایی مسلمانان جهان اسلام می‌تواند بسیاری از مشکلات مسلمانان را حل کند و مانع نفوذ دشمنان اسلام در میان امت اسلامی گردد. رساله‌های عملیه مراجع تقلید شاهد بر این مدعا هستند که عالمان و فقهای شیعه در مسائل مختلف مانند: طهارت و نجاست، احترام مال و جان، ارث، دیه و قصاص میان مسلمان شیعی و سنی فرقی نگذاشته‌اند. (مظفر، ۱۳۶۹، ص. ۲۴) البته مدرک این فتواها، احادیثی است که در کتب فقهی به آن تمسک شده است.

بیشتر فقهای شیعه فتوا داده‌اند که مکلفان می‌توانند برای ایجاد و حفظ اتحاد میان مسلمانان، برخی از عباداتشان را مانند اهل سنت به جا آورند. بر اساس احادیث و فتاوی فقها و عالمان شیعه در زندگی و تقابل دوستانه، ملت و دولت اسلامی ایران به اهل سنت با دیده احترام می‌نگرند و با آنان زندگی مسالمت‌آمیز دارند. آزادی و احترامی که اهل سنت در ایران دارند، هیچ‌یک از کشورهای اسلامی که اکثریت مردم و حکومت آنان غیرشیعی است، برای شیعیان قائل نیستند. دلیل این دوگانگی را باید در عملکرد علمای شیعه و اهل سنت جستجو کرد. اما تشیع و تسنن دو مذهب و مکتب فقهی بوده که اشتراکات و افتراقاتی دارند، اما اختلافات مذاهب نباید موجب خلل در همبستگی مسلمانان گردد. به همین دلیل آنان که از اتحاد و همبستگی مسلمانان در هراسند، می‌کوشند با تحریف و اتهام به رقبا، موارد اختلاف را بزرگ جلوه دهند و به اهداف شوم خود برسند.

#### ۴-۲- دلیل عقلی

سومین منبعی که در استنباط احکام از آن یاد می‌شود، عقل است. اگر اجماع که بر مبنای شیعه از دلایل "تابع سنت" است، دلیل مستقلی به حساب نیاید، بنابراین عقل را سومین منبع معرفی کردن صحیح است؛ زیرا سنت دو نوع است: یک نوع آن سنت صریح است که در اصطلاح نقل قول مستقیم از معصوم (ع) بوده و روایاتی که در منابع دینی وجود دارد، حاکی از آن است؛ نوع دیگر آن از فتاوی فقهای نزدیک به زمان معصوم است و از "اجماع" آنان بر حکمی، سنت بودن آن استفاده می‌شود.

با اینکه این دلیل سابقه دیرینه در استنباط احکام دارد، ولی در تعریف آن اختلاف زیادی است؛ گروهی آن را تنها در حد دلیلی در راستای پی بردن به منابع نقلی تنزل داده‌اند. مرحوم مظفر در گزارشی این دلیل را به شیخ مفید نسبت می‌دهد که از نظر او عقل، نخستین راه برای رسیدن به کتاب و سنت است. (مظفر، ۱۳۷۰، ص. ۳ و ۱۲۲/۴) و شیخ طوسی به این اندازه نیز از دلیل عقل نام نبرده؛ ولی در ضمن برخی مباحث خود به قبح عقلی ظلم و قتل اشاره می‌کند و یا عقل را تعیین کننده ادله می‌داند. (طوسی، ۱۴۱۷، ص. ۱۱۶) ابن‌ادریس حلی اولین فقیهی است که از عقل در کنار کتاب، سنت و اجماع به عنوان راه‌های رسیدن به "حق" در مسائل شرعی یاد می‌کند. (حلی، ۱۴۱۴، ص. ۱/۴۶) و البته وی معتقد است که اگر از کتاب، سنت و اجماع خبری به دست نیاوریم، نوبت استفاده از عقل است.

تطور و تکامل نقش عقل در استنباط، طول تاریخ فقه را بستر خود قرار داده است؛ اما از محقق قمی به بعد، تمام عالمان اصولی دلیل عقل را دلیل مسلمی انگاشته‌اند. البته گروهی عقل را در ضمن مباحث قطع مطرح کرده‌اند که اینان به پیروی از شیخ انصاری حجیت قطع حاصل از حکم عقل را حکم شرعی دانسته‌اند. گروه دیگری به طور مستقل، عقل را در شمار منابع فقه معرفی کرده‌اند. (شهید صدر، ۱۴۰۵، ص. ۴/۱۲۰). چنین می‌نماید که بهترین تعریف برای دلیل عقل، تعریف مظفر باشد که می‌گوید: «هر قضیه عقلی که از طریق آن به علم قطعی به حکم شرعی دست یابیم، دلیل عقلی است.» (مظفر، ۱۳۷۰: ۳ و ۱۲۵/۴) بنابراین، وحدت و انسجام در جامعه

و همگرایی بین مسلمانان حُسن داشته و امری خرددورزانه (معقول) است و طبیعی است که باید امر خرددورزانه در جامعه محقق شود. پس همگرایی بین مسلمانان امری لازم بوده و باید محقق گردد.

نکته مهم اینکه گاهی حتی در آثار علمی دقت لازم بین دلیل عقل و اصطلاحات مشابه آن مانند بنای عقلا و یا سیره عقلا نشده است؛ برای همین گاه این مسائل با هم مشتبه شده است. تفاوت عقل با سیره عقلا و بنای عقلا در این است که در آن حتی سیره مورد تأیید یا همراه "عدم ردع" شارع که با امضای او همراه باشد در استنباط احکام، جایگاهش احکام امضایی است. همچنین نباید اصطلاح بنای عقلا و یا سیره آنان را با سیره شرعی و یا سیره متشرعیه یکسان دانست؛ زیرا در بحث بنای عقلا و یا سیره خرددورزانه، تقید به مرام و آیین خاصی مطرح نیست، در صورتی که در سیره شرعی، سنت مستمری بحث گشته و یا در سیره متشرعیه پیروان شرع و دین، نظرشان مطرح می‌گردد و این مباحث اگرچه می‌توانند احکام شرعی را تبیین کنند، ولی در ردیف دلایلی همچون نقش عرف و یا مؤیداتی در بحث سنت و استمرار احکام و مؤیداتی بر امضای بخشی از احکام هستند و از دلیل عقل به طور خاص خارج هستند. سیره عقلا برخی از قواعد استنباط حکم شرعی را کشف می‌کند؛ از سوی دیگر ملاک و معیار احکام شرعی به کمک عقل به دست می‌آید که متشکل از دو مقدمه است:

(۱) بیان سیره در نظام‌های گوناگون و فرهنگ‌های مختلف در تمام زمان‌ها و مکان‌ها اتحاد و همگرایی و دوری از واگرایی است؛

(۲) از آنجا که شارع یکی از عقلا است و بلکه رئیس آنان است و همواره در قرآن و روایات تأکید فراوان بر همگرایی کرده و ردعی از او نسبت به این سیره ثابت نشده و مخالفتی از جانب ائمه (ع) در روایات نسبت به این سیره دیده نشده، معلوم می‌شود که با این سیره موافق است.

در هر عصری و در همه امت‌ها و مذاهب، وحدت و همگرایی سرلوحه پیروزی آنان در مقابل هجوم دشمنان بوده است و از این رو از ابتدا تا کنون در نزد اسلام خواهان همگرایی واقعی امری مسلم و تردیدناپذیر بوده است. انسجام و همگرایی یکی از عوامل اصلی اقتدار جهان اسلام است. در سایه وحدت و برادری اسلامی است که عزت و عظمت جامعه اسلامی می‌تواند جلوه‌گر گردد و مشکلات فراروی مسلمانان را حل کند. بدون شک رسیدن به وحدت اسلامی نیازمند عبور از موانع سخت داخلی و خارجی است که با ایجاد بسترهای فکری، فرهنگی و سیاسی در فضای کشورهای مسلمان می‌توان به این مهم دست یافت.

همگرایی تنها به حوزه جهان اسلام مرتبط نمی‌شود، بلکه بشر امروز بیش از هر چیزی نیازمند همگرایی در مواجهه با مسائل خود است و توصیه‌های قرآن و روایات بیانگر اهمیت وحدت در حیات بشر در همه دوران‌هاست. با نگاهی دقیق به روایات اهل بیت (ع) در می‌یابیم که موضوع همگرایی مسلمانان به طور خاص مورد توجه بوده است؛ به گونه‌ای که آنان ضمن تأکیدهای فراوان بر ضرورت حفظ اتحاد مسلمانان، آن را از وظایف اصلی شیعیان در بر خورد با مخالفان معرفی کرده‌اند. (مسائلی، ۱۳۹۰، ص. ۲۸) در همین راستا، می‌توان تأکیدهای فراوان ائمه (ع) بر حضور در اجتماعات و خصوصاً نماز گزاردن با آنان را دلیلی دیگر بر این مدعا دانست که با نظر به آنها می‌توان به عمق توجه ایشان به مسئله وحدت اسلامی پی‌برد. بنابراین، اهل بیت (ع) هم در رفتار اجتماعی و روزمره و هم در عرصه‌های علمی، مدارا و نرمش با مخالفان مذهب را به شکل کامل متجلی می‌کردند؛ به گونه‌ای که حتی فقهای اهل سنت نیز همیشه آنان را منبع راستین علم و فضیلت می‌دانستند؛ در حالی که خود به محورهای مورد اختلاف عقیدتی با آنان آگاه بودند. مسلماً رهبر معنوی و علمی مذهب خاصی بودن و در عین حال محبوب و مراد پیشوایان دیگر مذاهب بودن، مدارای عمیق و وسیعی را در رفتار عملی می‌طلبد که باعث جذب و جلب نظر مخالفان شود؛ زیرا کوچک‌ترین برخورد تند و بدرفتاری باعث تفرق و دوری مخالفان می‌شود. ملاقات گسترده و طولانی بزرگان معتزله مثل عمرو بن عبید، واصل بن عطا و حفص بن سالم با امام صادق (ع) از یک سو و نیز بزرگانی

چون سفیان ثوری، مالک بن انس و ابوحنیفه از سوی دیگر، همگی بیان‌کننده جلوه‌های بارزی از وحدت در رفتار آن امام است. (حسینی، ۱۳۸۳، ص. ۵۰۶) مدارا و برخورد عالمانه امام صادق (ع) و نیز دیگر امامان (ع) با پیشوایان مذاهب اهل سنت، به‌حدی بود که حتی مخالفت شدید آنان با روش‌های اجتهادی برخی از این پیشوایان، مانع ملاقات‌های مکررشان با ائمه نمی‌شد و این خود نشان می‌دهد که چگونه شخصیتی بزرگ مانند امام صادق (ع) رفتاری نیک و پسندیده با پیشوایانی مانند ابوحنیفه داشته‌اند.

## نتیجه‌گیری

با استفاده از مطالعات به نسبت طولانی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران درباره وحدت انجام شده و با توجه به آسیب‌پذیری شدیدی که در ایران از این جهت بوده از همان آغاز، توجه ویژه‌ای به همگرایی شده است که اگر این مهم، محقق نشود، به طور قطع به واگرایی و حتی به تجزیه ایران می‌انجامد.

در این نوشتار بیان شد که همگرایی نه یک تئوری و نه یک آرزو و میل ظاهری بوده، بلکه امری است که افزون بر تمام تلاش‌های خردورزانه و مصلحت‌جویانه، از بُعد معرفتی و دیدگاه اعتقادی و فلسفی ضرورت دارد و این مسئله می‌تواند مستند به مبانی عمیق فقهی و استدلال‌ات کامل آن باشد. برای اثبات و رسیدن به این هدف، افزون بر روش معهود استناد به آیات و سنت، به سیره مستمره معصومان (ع) و تاریخ نیز استناد کرده و ضرورت اهمیت دادن به این مسئله برای کاربردی و اجرایی کردن آن بیان شد. در ادامه با بررسی موشکافانه و روشی نظام‌مند، مبانی عقلی مسئله همگرایی و ضرورت آن تبیین شد که با تعمیق و جستجوی ژرف‌نگر، تبعات فقهی و تحلیل نظریات منادیان همگرایی در عصر حاضر مانند سیدشرف‌الدین عاملی، فرضیه مقاله اثبات گردید.

## پیشنهادها

از آنجا که در برخی از استان‌های کشور مانند کردستان، سیستان و بلوچستان، گرگان، خراسان و خوزستان اهل سنت زندگی می‌کنند و با تأسی به آیت الله بروجردی که مجمعی جهت همگرایی بین مذاهب اسلامی به نام «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» تأسیس کردند، پیشنهاد می‌شود مراکز و یا مدارسی در سراسر کشور تأسیس گردد و یا حتی دانشگاه‌ها دارای دبیرخانه‌های دائمی در همین راستا باشند، تا مسئله همگرایی را در ابعاد فقهی و کلامی بررسی کرده و با دقت ژرف در روش امامان (ع) جنبه‌های مختلف آن را مورد بحث و تحلیل قرار دهند. دیگر اینکه شبهاتی که برخی از مخالفان و معاندان در این زمینه مطرح می‌کنند، پاسخی در خور پیدا کنند و یک نظر واحد و مشترک در مورد این شبهات بیان کنند که از طریق آن پیام واحدی از اسلام به کل جهان عرضه گردد.

## فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

ابوالوفاء، افغانی. (۱۴۱۴). تحقیق. بیروت: دارالکتاب العلمیه

ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۴۰۷). السنن. بیروت: دارالکتاب الطیبه

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر ادب حوزه.

ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل. (۱۴۰۲). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالمعرفه

ابوزهره، محمد. (بی تا). تاریخ المذاهب الاسلامیه. قاهره: دارالفکر العربی

امامی، محمدجعفر. (۱۳۸۷). شان نزول آیات قرآن (برگرفته از تفسیر نمونه). قم: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب

امیراردوش، محمد حسین. (۱۳۸۴). تأملی بر مسئله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب

آقا نوری، علی. (۱۳۷۸). امامان شیعه و وحدت اسلامی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب

تهوری، مسلم. (بی تا). منادیان تقریب. بی جا

جناتی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۴). ادوار فقه و کیفیت بیان آن. تهران: موسسه کیهان

حاج یوسفی، امیر محمد؛ شهریار، فاطمه؛ الهامی، امیر حسین. (۱۳۹۱). نخبگان و همگرایی منطقه ای در سازمان همکاری اقتصادی (اکو)،

فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی. شماره ۴۱، ص ۴۲

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک. مشهد: بابلی

حرّعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۳). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: دار احیاء التراث

حسینی، شهاب الدین. (۱۴۲۷). الوحدة الاسلامیة فی الاحادیث المشترکه بین السنه و الشیعه. به اهتمام محمدعلی تسخیری. مجمع عالم

تقریب بین مذاهب.

حسینی، علی. (۱۳۸۳). مدارای بین مذاهب. قم: بوستان کتاب

حکیم، محمدباقر. (۱۳۷۷). وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت. مترجم عبدالهادی فقهی زاده. تهران: تبیان

حلی، محمد بن منصور بن احمد بن ادريس. (۱۴۱۴). السرائر. قم: جامعه مدرسین

حلی (فاضل)، مقداد بن عبد الله سیوری. (۱۴۲۵). کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی

- حلی (فاضل)، مقداد بن عبد الله سیوری. (بی تا). الباب الحادی عشر مع شرحیه النافع یوم الحشر و مفتاح الباب. مؤسسه مطالعات اسلامی حلی (علامه)، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید. (۱۴۱۵). شرایع الاسلام. مؤسسه المعارف الاسلامیه
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۰). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۴۱۹). ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات
- شرف الدین، سید عبدالحسین. (۱۴۲۳). الفصول المهمه. تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیه
- شرف الدین، سید عبدالحسین. (۱۴۲۶). المراجعات. قم: المجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام
- صدر، محمدباقر. (۱۴۰۵). بحوث فی الاصول به تقریر سید محمد هاشمی. قم: مجمع العلمی للشهید صدر
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیا التراث العربی
- طبرسی، محمد بن علی. (۱۳۷۲). الاحتجاج. تحقیق ابراهیم بهادری. قم: انتشارات اسوه
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۰۹). تاریخ الامم و الملوک. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیا التراث العربی
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷). عدّه الاصول. تحقیق و نشر محمد رضا الانصاری القمی. قم
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی
- قمی، محمد تقی. (۱۳۹۰). سرگذشت تقریب. مترجم سید هادی خسروشاهی. مجمع جهانی تقریب مذاهب
- قوام عبدالعلی. (۱۳۷۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل. تهران: قومس
- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۰). نظریه همگرایی در روابط بین الملل. تهران: قومس
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵). اصول کافی. مترجم محمد باقر کمره ای. قم: اسوه
- مسائلی، مهدی. (۱۳۹۰). پیشوایان شیعه پیشگامان وحدت. سپیده باوران
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۱۵). بحار الانوار. انتشارات الاسلامیه
- محمدی، یدالله. (۱۳۷۰). همگرایی و سیر تطور و تکامل آن (۱) و (۲). نشریه مصباح
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۰). اصول فقه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۶۹). عقاید و تعالیم شیعه. مترجم محمد مجتهدی شبستری. محمدی
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۰). ویژگی های فکری شیعه. عقاید امامیه. انصاریان



مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۰). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب العلمیه

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷). دائرة المعارف فقه مقارن. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام

نهج الفصاحه. (۱۳۸۵). کلمات قصار پیامبر اعظم. به کوشش علی شیروانی. قم: دارالفکر.

